ديباچه

توسعه‌ي كارآفريني يكي از نيازهاي جدي اقتصاد راكد ايران است. در شرايطي كه كاهش درآمد سرانه‌ي نفتي و در نتيجه كاهش سـرمايه‌گـذاري در اقتصاد كشور از يك سو، بهره‌وري پايين و گرايش به تعـديل نيـروي انـساني در سازمان‌هاي دولتي و وابسته به دولت از ديگر سو و خيـل تـازه‌واردان بـه عرصه‌ي كار از سوي ديگر، بيكاري را به معضل بزرگ اقتصادي و اجتمـاعي اين زمان بدل كرده است، به نظر مي‌رسـد كـه توسـعه‌ي كـارآفريني و تـرويج فرهنگ كارآفريني يك ضرورت جدي اقتصادي، اجتماعي و سياسي است.

تجربه‌ي دنياي امروز نشان داده است كه نوآوري‌هاي مهم و پيشرفت‌هاي تكنولوژيكي، در سازمان‌ها و شركت‌هاي بزرگ دولتي اتفاق نخواهد افتاد. قابليت تطبيق با بازار و نياز روز، چيزي است كه از يك ساختار بزرگ پيچيده‌ي تودرتو ساخته نيست و در نتيجه براي پيشرفت سريع و ارائه‌ي محصولات جديد، تنها راه مؤثر، ايجاد و توسعه‌ي شرايطي است كه فعاليت‌هاي اقتصادي كوچك بتوانند تأسيس شوند و رقابت كنند.

در كشورهاي بزرگ و پيشرفته، اهميت كارآفريني فقط به خاطر مسأله‌ي ايجاد شغل نيست، بلكه دليل اصلي اين است كه فعاليت‌هاي اقتصادي كوچكي كه در اين كشورها به وجود آمده‌اند و رشد كرده‌اند، توانسته‌اند سهم عمده‌ي فن‌آوري روز و در نتيجه ثروت و درآمد تمام دنيا را به خود اختصاص دهند. آمار نشان مي‌دهد بيش از نود درصد اين جهش‌ها كه مي‌توان از آن به انقلاب تكنولوژيكي تعبير كرد، در شركت‌هاي كوچك و متوسط و نه در سازمان‌هاي بزرگ اتفاق افتاده است.

كارآفريني نيز مانند هر چيز ديگري قواعد و ملزومات خاص خودش را دارد. شايد سرمايه مهم‌ترين چيز در شروع يك فعاليت اقتصادي باشد، اما قطعاً همه‌ي آن نيست. دانش و توانايي مديريت، دانش اقتصادي، شناخت

اوضاع بازار و نيازهاي آن و از همه مهم‌تر، باور داشتن به اين كه "من مي‌توانم كار جديدي را شروع كنم" مسائلي هستند كه در تولد يك كارآفرين و ايجاد عزم و اراده در وي نقش اساسي دارند.

اين باور كه كارآفريني لازم و ضروري است و هر كسي مي‌تواند براي خودش يک فعاليت اقتصادي را آغاز كند، چيزي نيست كه يكباره و ناگهان در ذهن كسي ايجاد شود. تصميم به راه‌اندازي فعاليت اقتصادي نوپا، نتيجه‌ي فرآيندي است كه بايد از ابتداي كودكي آغاز گردد و در آموزش و پرورش به طور جدي و حساب شده در نظر گرفته شود تا فرد مهارت‌هاي لازم را به درستي فرا بگيرد.

امروز كارآفريني موتور محرك توسعه‌ي اقتصادي كشورهايي است كه از سال‌هاي پيش، اين ضرورت را دريافته‌اند. تجربه‌ي اين كشورها نشان مي‌دهد كه در توسعه‌ي كارآفريني، "آموزش" در كنار عوامل ديگري همچون تسهيل قوانين و مقررات، ايجاد مكانيزم‌هاي حمايتي، تبليغات و فرهنگ‌سازي، جايگاهي بي‌بديل و انكارناپذير دارد.

بر همين اساس است كه در بسياري از دانشگاه‌هاي معتبر دنيا، درس كارآفريني، نه تنها براي دانشجويان رشته‌ي مديريت، بلكه براي طيف گسترده‌اي از دانشجويان رشته‌هاي مختلف ارايه مي‌شود. گام نخست در پيمودن اين مسير در كشور ما، تحقيق و توسعه در زمينه‌ي مواد آموزشي، تدوين برنامه‌هاي درسي و انتشار متون آموزشي است.

كتاب حاضر از جمله منابعي است كه در بعضي از دانشگاه‌هاي خارج از كشور در قالب درس كارآفريني تدريس مي‌شود و در كشور ما اولين متن آموزشي كارآفريني است كه به زبان فارسي ترجمه شده و در دسترس همگان قرار مي گيرد.

سابقه‌ي استفاده از اين كتاب به عنوان متن آموزشي در ايران به سال ۱۳۷۹ و ارايه‌ي درس مباني كارآفريني در دانشگاه صنعتي شريف توسط

دکتر فیض‌بخش بازمي‌گردد. سادگي، رواني و جامعيت کتاب باعث شد که چند سـالي بـه عنـوان مرجـع اصـلي درس مبـاني کـارآفريني (کـه در قالـب درس اختياري براي دانشجويان همه رشته‌ها ارايه مي‌شود) به کار گرفته شود.

براي انتشار اين کتاب دوستان زيادي زحمت کشيده‌اند که جا دارد از همه‌ي آنها تشکر و قدرداني کنم. به‌ويژه آقاي مهندس حميدرضا تقي‌ياري که زحمت مقابله‌ي ترجمه‌ها با متن اصلي و ساير هماهنگي‌هاي ديگر براي نهايي کردن متن و چاپ اين کتاب متقبل شدند.

اميد است که انتشار اين کتاب، راه را براي توسعه‌ي حقيقي کارآفريني هموارتر کند؛ راه پر پيچ و خمي که اولين قدم آن شناخت درست و عميق مفهوم کارآفريني است.

سيد عليرضا فيض‌بخش